

بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت

جواد اورادی*

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد

محمود لاری دشت بیاض

استادیار حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد

زینب سالاری فورگ

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

کمیته حسابرسی به عنوان بخش مهمی از نظام حاکمیت شرکتی می‌تواند موجب بهبود فرایند گزارشگری مالی و عملکرد شرکت شود. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی (تخصص مالی، استقلال و اندازه) و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این پژوهش عملکرد شرکت با استفاده از معیارهای Q توبین و بازده دارایی‌ها اندازه‌گیری شده است. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۳۲ شرکت و دوره مطالعه سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ را در بر می‌گیرد. نتایج آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه ترکیبی حاکی از آن است که بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و عملکرد مبتنی بر معیارهای Q توبین و بازده دارایی‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین استقلال کمیته حسابرسی و عملکرد مبتنی بر بازده دارایی‌ها رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد. در عین حال، بین استقلال کمیته حسابرسی با عملکرد مبتنی بر Q توبین و اندازه کمیته حسابرسی با معیارهای Q توبین و بازده دارایی‌ها رابطه معناداری مشاهده نگردید.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، تخصص مالی کمیته حسابرسی، استقلال کمیته حسابرسی،

اندازه کمیته حسابرسی، عملکرد شرکت.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۳/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۰/۲۶

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: ja_oradi@stu.um.ac.ir

۱- مقدمه

رشد اقتصادی در هر کشوری به سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی وابسته است. وقوع تقلب‌های مالی، موجب کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی شده و مانع رشد اقتصادی جامعه می‌شود. از طرفی، پایه و اساس اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری، ارائه اطلاعات مالی مربوط و قابل اتکاء است. اما برخی از شرکت‌ها به ظاهرسازی یا دستکاری داده‌های اطلاعاتی که تصویر مطلوبی از وضعیت مالی شرکت گزارش نمی‌کند، می‌پردازند. بنابراین، وجود کمیته‌ای مستقل در شرکت همانند کمیته حسابرسی، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام حاکمیت شرکتی، برای کنترل مداوم چنین فعالیت‌هایی ضروری است (بنسال و شارما، ۲۰۱۶: ۱۰۳).

حاکمیت شرکتی شفاف و بهینه، کلید سودآوری، رشد مطلوب و ثبات شرکت محسوب می‌شود. به دلیل خاصیت رقابتی بودن دنیای تجارت در تمامی بخش‌ها، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، حاکمیت شرکتی از اهمیت خاصی برخوردار است. ایروین^۲ (۲۰۰۹) بهترین روش برای بهبود و پیشرفت حاکمیت هر نهادی را داشتن کمیته حسابرسی قوی می‌داند (به نقل از باباجانی و بابایی، ۱۳۹۰: ۱۴). در برخی از شرکت‌های توسعه‌یافته، بسیاری از شرکت‌ها کمیته حسابرسی تشکیل داده‌اند تا نقش ناظر بر رویه‌ها و نحوه عمل حسابداری و گزارشگری مالی واحدهای اقتصادی را به عهده گیرد (ارباب سلیمانی و نفری، ۱۳۷۸: ۱۶۲). در ایران نیز سازمان بورس و اوراق بهادار تهران (۱۳۹۱) هیئت‌مدیره ناشران پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران را ملزم به تشکیل کمیته حسابرسی و سایر کمیته‌های تخصصی مورد نیاز کرده است.

از دیدگاه تئوری نمایندگی، کمیته حسابرسی مهم‌ترین نقش را در کاهش مشکلات نمایندگی بازی می‌کند (زهره و پیرسی،^۳ ۱۹۸۹). پراکنده بودن سهامداران و عدم کنترل و نظارت مستقیم بر مدیران ممکن است به عملکرد شرکت ضرر رساند. علاوه بر این، مدیران نسبت به سهامداران دارای اطلاعات بیشتری در ارتباط با شرکت هستند و این عدم تقارن اطلاعات هزینه سهامداران محسوب می‌شود، زیرا آنها نمی‌توانند آگاهانه در مورد عملکرد شرکت تصمیم‌گیری کنند. بنابراین، مجموعه‌ای از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی از جمله کمیته حسابرسی می‌تواند در کاهش مشکلات نمایندگی و افزایش عملکرد شرکت مؤثر واقع شود (سیاجین و همکاران،^۴ ۲۰۱۱: ۵).

اگرچه پژوهش‌های متعددی در ارتباط با حاکمیت شرکتی و اثر آن بر عملکرد شرکت (یگانه و همکاران، ۱۳۸۸؛ وکیلی فرد و باوندپور، ۱۳۸۹؛ مرادی و رستمی، ۱۳۹۱) انجام شده است، ولی به دلیل نوظهور بودن کمیته حسابرسی تا به اکنون پژوهشی در زمینه ویژگی‌های کمیته حسابرسی به عنوان جزئی از حاکمیت شرکتی، و ارتباط آن با عملکرد شرکت صورت نپذیرفته

است. بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

در این پژوهش ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل تخصص مالی اعضا، استقلال و اندازه، و عملکرد شرکت با استفاده از معیارهای Q توپین و بازده دارایی‌ها اندازه‌گیری شده است. در ادامه این نوشتار، مبانی نظری و پیشینه پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد و فرضیه‌های پژوهش مطرح می‌گردد. سپس روش‌شناسی پژوهش و یافته‌ها مورد بررسی قرار گرفته و در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهادات در مورد پژوهش‌های آتی ارائه می‌شود.

۲- مبانی نظری، ادبیات و فرضیه‌ها

در روابط نمایندگی، هدف مالکان حداکثرسازی ثروت است، لذا به منظور دستیابی به این هدف بر کار نماینده نظارت و عملکرد او را مورد ارزیابی قرار می‌دهند (نمازی و کرمانی، ۱۳۸۷: ۸۴). وان دن برگه^۵ (۲۰۰۱) بیان می‌کند که عملکرد در نهایت نتیجه بسیاری از عوامل به هم پیوسته است که در آن حاکمیت شرکتی تنها یک عنصر ممکن در مجموعه کلی محرک-های عملکرد است و در ادامه لیندلوف پیتر^۶ (۲۰۰۵) به این موضوع اشاره می‌کند که اگر شرکت‌ها در جهت بهبود و ارتقای حاکمیت شرکتی تلاش کنند، می‌تواند تأثیر مثبتی بر عملکرد و ارزش شرکت داشته باشد (به نقل از؛ وکیلی فرد و باوندپور، ۱۳۸۹: ۱۲۱).

کمیته حسابرسی به عنوان کمیته فرعی هیئت مدیره شناخته می‌شود که از طرفی مسئول ایجاد استراتژی‌های مناسب برای بهبود سلامت مالی شرکت است (بنسال و شارما، ۲۰۱۶: ۱۰۴) و از سوی دیگر وظیفه دارد تا درباره فعالیت‌های خود به هیئت مدیره پاسخگو باشد (محمدپور و شهبابی، ۱۳۹۳: ۵۱). بنابراین، اگر کمیته حسابرسی تصویر مطلوبی از صورت‌های مالی در برابر اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل ارائه دهد، جایگاه بهتری برای اتخاذ استراتژی‌های موثر در جهت افزایش عملکرد شرکت خواهد داشت (باردوج و رائو^۷، ۲۰۱۵؛ به نقل از بنسال و شارما، ۲۰۱۶: ۱۰۴).

کمیته حسابرسی می‌تواند از طریق فرآیندهای نظارتی گوناگون به بررسی عملکرد مدیران می‌پردازد. به طور مثال، این کمیته قادر است با بررسی خط‌مشی‌های حسابداری شرکت و توافق با مدیریت ارشد در این زمینه، وی را متقاعد کند تا صورت‌های مالی را مطابق با استانداردهای پذیرفته شده افشا نماید (آمر و همکاران^۸، ۲۰۱۴: ۲). همچنین کمیته حسابرسی می‌تواند مدیریت ارشد واحد اقتصادی را کنترل کند و به عنوان بازدارنده مدیریت از زیرپاگذاری کنترل‌های داخلی، از جمله ممانعت از تقلب مدیریت، نقش مؤثری ایفا کند (ارباب سلیمانی و نفری، ۱۳۷۸: ۲۰۸). علاوه بر این نقش کمیته حسابرسی در مدیریت ریسک نیز از اهمیت بالایی برخوردار است (رحیمیان و توکل نیا، ۱۳۹۰: ۷۰).

مک مولن^۹ (۱۹۹۶) عنوان می‌کند که شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی به احتمال کمتری با اشتباهات، بی‌نظمی‌ها و گزارشگری مالی متقلبانه، روبرو هستند (آمر و همکاران، ۲۰۱۴: ۲). کمیته‌های حسابرسی باید به طرز صحیح سازماندهی شوند و مورد استفاده قرار گیرند، در این صورت، این کمیته‌ها می‌توانند برای کلیه گروه‌های علاقه‌مند منافع چشم‌گیری داشته باشند (اعتمادی و شفاخیبری، ۱۳۹۰: ۲۲). در صورتی که شرکتی کمیته حسابرسی ندارد، باید دلایل عدم وجود این کمیته را در گزارش‌های سالانه خود توضیح دهد و نیاز به وجود چنین کمیته‌ای را برای دوره مالی بعدی تبیین نماید (سلیمانی و مقدسی، ۱۳۹۳: ۷۴). از سوی دیگر، ویژگی‌های مختلف کمیته حسابرسی شامل: تخصص مالی، استقلال، اندازه و ... می‌توانند بر اثربخشی کمیته حسابرسی اثر بگذارند (فخاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

در ارتباط با ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت پژوهش‌های متعددی انجام شده است. به‌طور نمونه؛ کنیدی و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۵: ۱) به بررسی اثربخشی هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت در کانادا پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که بین اثربخشی هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌های بنسال و شارما (۲۰۱۶: ۱۰۳)، نشان از آن دارد که بین استقلال هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت رابطه منفی و معنادار و بین دومسئولیتی بودن مدیرعامل و اندازه هیئت‌مدیره با عملکرد شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یگانه و همکاران (۱۳۸۸) رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها رابطه معناداری را بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت نشان نداد. وکیلی فر و باوندپور (۱۳۸۹) به بررسی رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که وجود سهامداران نهادی با عملکرد شرکت رابطه مثبت دارد. در مقابل وجود سهامداران عمده در ساختار مالکیت شرکت‌ها بر عملکرد آنها تاثیر چندانی نداشته و نسبت اعضای غیرموظف در هیئت‌مدیره با عملکرد شرکت رابطه معکوس و معناداری دارد. مرادی و رستمی (۱۳۹۱) به بررسی ارتباط بین برخی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی شرکت‌ها پس از عرضه عمومی اولیه سهام در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها رابطه مثبت و معناداری را بین مالکیت نهادی و مدیریتی با عملکرد شرکت‌ها پس از انتشار اولیه نشان داد. همچنین آنها دریافتند که حضور مدیران غیرموظف عملکرد شرکت را بهبود می‌بخشد و بین نقش دوگانه مدیرعامل و عملکرد شرکت رابطه‌ای وجود ندارد.

ویژگی‌های کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت تخصص مالی کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت

کمیته بلوریون^{۱۱} (۱۹۹۸) معتقد است، تخصص مالی کمیته حسابرسی منجر به افزایش اثربخشی آن می‌شود. قانون ساکس^{۱۲} در سال ۲۰۰۲ هیئت‌مدیره شرکت‌ها را ملزم به ایجاد

کمیته حسابرسی از بین مدیران مستقل و گنجانیدن حداقل یک کارشناس مالی در آن کرده است (عبدالله و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۴: ۴). در ایران نیز بر اساس منشور کمیته حسابرسی، اکثریت اعضای کمیته بایستی دارای تخصص مالی باشند (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۱). نظارت مؤثر کمیته حسابرسی ایجاب می‌کند که اعضای آن برای ارزیابی مستقل موضوعاتی که به آن‌ها ارائه می‌شود، تخصص کافی در حسابداری و حسابرسی داشته باشند (بیزلی و سالتیو^{۱۴}، ۲۰۰۱؛ دیویدسن و همکاران^{۱۵}، ۲۰۰۴). دزورت و سالتیو (۲۰۰۱) استدلال می‌کنند که تخصص مالی کمیته حسابرسی احتمال شناسایی تحریف‌های بااهمیت را افزایش می‌دهد (آمر و همکاران، ۲۰۱۴: ۳).

یافته‌های پژوهش ابوت و همکاران^{۱۶} (۲۰۰۲: ۲) حاکی از آن است که عدم حضور اعضای متخصص در کمیته حسابرسی ارتباط معناداری با افزایش اشتباه و تقلب در صورت‌های مالی دارد. مک‌دنیل و همکاران^{۱۷} (۲۰۰۲: ۱۳۹-۱۴۰) و جیمی و میکسل^{۱۸} (۲۰۱۳: ۲۲۱) دریافته‌اند که تخصص مالی کمیته حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت و معناداری دارد. به طور مشابه، شین^{۱۹} (۲۰۰۷: ۷) نشان داد که تخصص مالی کمیته حسابرسی با افزایش کیفیت سود در ارتباط است. نتایج پژوهش مصطفی و یوسف^{۲۰} (۲۰۱۰: ۲۰۸) نشان از آن دارد که مدیران مستقل و دارای تخصص مالی می‌توانند سوءاستفاده از دارایی‌های شرکت را به طور موثری کاهش دهند. آبرناتی و همکاران^{۲۱} (۲۰۱۴: ۲۸۳) به این نتیجه رسیدند که تخصص مالی کمیته حسابرسی باعث بهبود به موقع بودن گزارشگری مالی می‌شود. یافته‌های پژوهش دیویدسن و همکاران (۲۰۰۴: ۲۷۹) رابطه مثبت و معناداری را بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت نشان داد. این رابطه در پژوهش‌های بعدی نیز تأیید شده است (میر و سعادت^{۲۲}، ۲۰۰۸: ۵۵؛ بایوعزیز^{۲۳}، ۲۰۱۲: ۵۷؛ عبدالله و همکاران، ۲۰۱۴: ۱؛ آمر و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۵؛ استفان و همکاران^{۲۴}، ۲۰۱۴: ۱). با توجه به ادبیات گفته‌شده در این قسمت، فرضیه اول پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

فرضیه اول: بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

استقلال کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت

جمیسن و اگلی^{۲۵} (۱۹۸۳: ۵۱۵) معتقدند کمیته حسابرسی که تمامی اعضای آن را مدیران مستقل تشکیل می‌دهد، مؤلفه حیاتی حاکمیت شرکتی به حساب می‌آید. کمیته کادبری^{۲۶} (۱۹۹۲) در گزارشی تأکید می‌کند که کمیته حسابرسی باید از مدیران غیراجرایی (مستقل) تشکیل شود تا در تصمیم‌گیری‌های مهم بتواند به طور مستقل اظهارنظر نماید. همچنین، مدیران مستقل جهت اطمینان از تصمیم‌های مدیران اجرایی در جهت منافع سهامداران تلاش می‌کنند (ویسباج^{۲۷}، ۱۹۸۸؛ ویر و لاینگ^{۲۸}، ۲۰۰۱)، به نقل از عبدالله و همکاران، ۲۰۱۴:

۲). کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا بر این موضوع تاکید می‌کند که "بهتر است هیچ کمیته حسابرسی وجود نداشته باشد تا اینکه تمامی اعضای کمیته را مدیران اجرایی تشکیل دهند، زیرا آن‌ها تصویر درستی از وضعیت مالی شرکت ارائه نمی‌دهند" (بنسال و شارما، ۲۰۱۶: ۱۰۴).

کلین (۲۰۰۲) استدلال می‌کند اعضای کمیته حسابرسی باید مستقل باشد تا بتواند از منازعات بین مدیران و حسابرسان مستقل جلوگیری کند. استقلال کمیته حسابرسی در جهت اطمینان حاصل کردن از یکپارچگی فرایند گزارشگری مالی نقش قابل توجهی ایفا می‌کند، زیرا امکان دارد مدیریت در جهت منافع شخصی خود اطلاعات حسابداری را دستکاری نماید. بنابراین کمیته حسابرسی مستقل می‌تواند از درستی و منصفانه بودن صورت‌های مالی اطمینان حاصل کند (جفری و همکاران^{۲۹}، ۲۰۱۱: ۱۳۱-۱۳۲).

ابوت و پارکر (۲۰۰۰: ۶۶-۶۷) اذعان می‌کنند که استقلال کمیته حسابرسی با کاهش تحریف صورت‌های مالی در ارتباط است. ابوت و همکاران (۲۰۰۲: ۲) دریافتند که استقلال کمیته حسابرسی با مدیریت سود رابطه منفی و معناداری دارد. یافته‌های پژوهش جکسون و همکاران^{۳۰} (۲۰۰۹: ۵۷) حاکی از آن است که استقلال کمیته حسابرسی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی دارد. امیر و همکاران^{۳۱} (۲۰۱۰: ۶۴۷-۶۴۸) معتقدند که استقلال کمیته حسابرسی به کاهش تقلب‌های مالی در یک شرکت و در نتیجه افزایش عملکرد مالی شرکت کمک می‌کند.

آرسلن و همکاران^{۳۲} (۲۰۱۴: ۱۵۱) به این نتیجه رسیدند که کمیته حسابرسی مستقل، موجب افزایش عملکرد شرکت می‌شود. یافته‌های بنسال و شارما (۲۰۱۶: ۱۰۳) نیز حاکی از رابطه مثبت بین استقلال کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت است. تأثیر مثبت استقلال کمیته حسابرسی بر عملکرد شرکت در پژوهش‌های نچل^{۳۳} (۲۰۰۸: ۷۴۰)، دی^{۳۴} (۲۰۰۸: ۱۱۶۹) و عبدالله و همکاران (۲۰۱۴: ۱) نیز قابل مشاهده است. در مقابل یافته‌های پژوهش دار و همکاران^{۳۵} (۲۰۱۱: ۹) رابطه منفی را بین استقلال کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت نشان داد. بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش به شرح ذیل مطرح می‌گردد:

فرضیه دوم: بین استقلال کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

اندازه کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت

کمیته بلوریون (۱۹۹۹) تأکید می‌کند که کمیته حسابرسی باید حداقل با سه عضو تشکیل شود (آمر و همکاران، ۲۰۱۴: ۴). منون و ویلیامز^{۳۶} (۱۹۹۴) معتقدند که ترکیب اعضای کمیته حسابرسی، یکی از شاخص‌های داشتن کمیته‌ای مؤثر و کارآمد است. طرفداران تئوری نمایندگی^{۳۷} (کولیر و گرگوری^{۳۸}، ۱۹۹۹؛ هیلمن و دالزیل^{۳۹}، ۲۰۰۳) استدلال می‌کنند که کمیته حسابرسی بزرگتر باعث از بین رفتن توابع کنترل و نظارت و در نتیجه کاهش عملکرد شرکت

می‌شود (سولتانان و همکاران^{۴۰}، ۲۰۱۴: ۶۱). و فیس^{۴۱} (۱۹۹۹: ۱۲۵-۱۲۷) نیز به این نتیجه رسید که کمیته حسابرسی بزرگتر اثر منفی بر عملکرد شرکت می‌گذارد.

در مقابل طرفداران تئوری وابستگی منابع تأکید می‌کنند که کمیته حسابرسی بزرگتر می‌تواند موثر واقع شود. برای این منظور، کمیته‌ها می‌توانند افرادی را با تخصص‌های گوناگون جهت کنترل قوی‌تر اجرای رویه‌های حسابداری استخدام کنند (چوی و همکاران^{۴۲}، ۲۰۰۴). راقنادان و همکاران^{۴۳} (۲۰۰۱) معتقدند که افزایش در اندازه کمیته حسابرسی سبب بالارفتن تعداد جلسات آن می‌شود و در نتیجه نظارت و عملکرد مؤثرتری را در پی دارد (عبدالله و همکاران، ۲۰۱۴: ۵). یافته‌های پژوهش‌های ردی^{۴۴} و همکاران (۲۰۱۰: ۲۰۴-۲۰۷) و عبدالله و همکاران (۲۰۱۴: ۱) نیز حاکی از آن است که بین اندازه کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. وی^{۴۵} (۲۰۰۷: ۵۳۸) و متاری و همکاران^{۴۶} (۲۰۱۴: ۹۸) نیز رابطه معناداری بین اندازه هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی با عملکرد شرکت مشاهده نکردند. با توجه به توضیحات ارائه‌شده، فرضیه سوم پژوهش به صورت زیر بیان می‌گردد:

فرضیه سوم: بین اندازه کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۳- روش شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر کاربردی بوده و با توجه به ماهیت موضوع، توصیفی از نوع همبستگی و پس‌رویدادی می‌باشد. در این نوع پژوهش‌ها هدف، بررسی رابطه بین متغیرهاست و داده‌ها از محیطی که به گونه‌ای طبیعی وجود داشته‌اند و یا از وقایع گذشته و بدون دخالت پژوهشگر رخ داده‌اند، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شوند.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ می‌باشد. برای تخمین مدل پژوهش، شرکت‌هایی که دارای شرایط ذیل بوده، جزء نمونه آماری لحاظ شده و آن دسته از شرکت‌هایی که دارای این شرایط نبوده از نمونه آماری حذف شده‌اند. شرایط مذکور به شرح زیر می‌باشد:

کمیته حسابرسی را طبق دستورالعمل کنترل داخلی بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۹۱) تشکیل داده باشند. (۲) قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند. (۳) اطلاعات آنها در دسترس باشد. (۴) جزء بانک‌ها، بیمه و سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد. (۵) دوره مالی آنها منتهی به پایان اسفند باشد. (۶) طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳، تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشند.

با در نظر گرفتن شرایط فوق، ۱۳۲ شرکت (۳۰۱ سال_شرکت) جامعه آماری پژوهش را تشکیل داد. از آنجا که روش انجام پژوهش کتابخانه‌ای بوده و با داده‌های واقعی شرکت‌ها سر و کار دارد، برای فراهم نمودن اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران از منابع مختلف، از جمله سایت اطلاع‌رسانی بورس اوراق بهادار تهران (صورت‌های مالی و گزارش‌های کمیته حسابرسی) و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استفاده شد. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار Stata12 استفاده گردید.

مدل پژوهش

به منظور بررسی هر فرضیه و بر اساس هر یک از معیارهای ارزیابی عملکرد (Q) توپین و بازده دارایی‌ها (از مدل‌های زیر استفاده شده است):

$$\text{Tobins}Q_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{ACEXP}_{it} + \beta_2 \text{ACIND}_{it} + \beta_3 \text{ACSIZE}_{it} + \beta_4 \text{LNASSET}_{it} + \beta_5 \text{LEVERAGE}_{it} + \beta_6 \text{GROWTH}_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$\text{ROA}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{ACEXP}_{it} + \beta_2 \text{ACIND}_{it} + \beta_3 \text{ACSIZE}_{it} + \beta_4 \text{LNASSET}_{it} + \beta_5 \text{LEVERAGE}_{it} + \beta_6 \text{GROWTH}_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

عملکرد شرکت: همانطور که قبلاً بیان شد، در این پژوهش از معیارهای Q توپین و بازده دارایی‌ها برای ارزیابی عملکرد شرکت استفاده شده است. این معیارها به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{Tobins}Q = \frac{\text{MV} + \text{DEBT}}{\text{Assets}}$$

TobinsQ (نسبت Q توپین): برابر است با جمع ارزش بازار شرکت (MV) و ارزش دفتری مجموع بدهی‌های شرکت (DEBT) تقسیم بر ارزش دفتری مجموع دارایی‌های شرکت (Assets) (وکیلی فرد و باوندپور، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

$$\text{ROA} = \frac{\text{Earnings}}{\text{Assets}}$$

ROA (بازده دارایی‌ها): برابر است با سود قبل از کسر مالیات (Earnings) تقسیم بر مجموع دارایی‌های شرکت (Assets) (آلداین و همکاران^{۴۷}، ۲۰۱۱: ۲۳).

متغیرهای مستقل

ACEXP (تخصص مالی کمیته حسابرسی): برابر است با درصد اعضای دارای تخصص مالی در کمیته حسابرسی. بند شش ماده ۱ منشور کمیته حسابرسی، تخصص مالی اعضا را مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای داخلی یا معتبر بین‌المللی در امور مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد، سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت‌ها و گزارش‌های مالی و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، تعریف کرده است (سازمان بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۱).

ACIND (استقلال کمیته حسابرسی): برابر است با درصد اعضای مستقل در کمیته حسابرسی. عضو مستقل بر اساس بند یک ماده ۱ منشور کمیته حسابرسی، عضوی فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیرمستقیم که بر تصمیم‌گیری مستقل وی اثرگذار باشد، موجب جانب‌داری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران یا سایر ذینفعان شود یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران گردد، تعریف شده است (سازمان بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۱).

ACSIZE (اندازه کمیته حسابرسی): برابر است با تعداد اعضای حاضر در کمیته حسابرسی. کمیته حسابرسی طبق بند ۱ ماده ۵ منشور کمیته از سه تا پنج عضو با انتخاب و انتصاب هیئت‌مدیره تشکیل می‌گردد (سازمان بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۱).

متغیرهای کنترلی

LNASSET (اندازه شرکت): برابر است لگاریتم طبیعی ارزش دفتری مجموع دارایی‌های شرکت.

LEVERAGE (اهرم مالی شرکت): برابر است مجموع بدهی‌های شرکت تقسیم بر دارایی‌های شرکت.

GROWTH (رشد شرکت): برابر است با تغییر در فروش شرکت نسبت به ابتدای دوره، تقسیم بر فروش ابتدای دوره.

۴- یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای به کار برده شده در این پژوهش در جدول ۱ قابل مشاهده است. از آنجا که شرکت‌ها در هر دو الگوی پژوهش یکسان است، متغیرها بر حسب مدل تفکیک نشدند. به منظور بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون جارکول- برا استفاده شد. از آنجا که مقدار معناداری آزمون برای تمامی متغیرها کمتر از میزان ۵ درصد بود، می‌توان گفت متغیرها از

توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند. ولی بر اساس قضیه حد مرکزی، ضرایب در داده‌های با تعداد مشاهدات بالا نرمال محسوب می‌شوند، هرچند توزیع اجزا نرمال نباشد (گرین^{۴۸}، ۲۰۱۱).

جدول (۱): آمار توصیفی

متغیر	میانگین	میانه	انحراف	بیشینه	کمینه	چولگی	کشیدگی	نرمالیتی
			معیار					(جارکو-برا)
توبین Q	۱/۶۰۳	۱/۳۳۸	۰/۷۶۸	۵/۷۲۹	۰/۲۸۵	۲/۱۷۳	۹/۶۹۴	۰/۰۰۰۰
بازده دارایی	۰/۱۸۳	۰/۱۶۲	۰/۱۴۸	۰/۶۷۴	-۰/۲۳	۰/۵۰۱	۳/۴۳۲	۰/۰۰۰۵
تخصص مالی کمیته حسابرسی	۰/۸۷۰	۱	۰/۱۷۴	۱	۰/۳۳	-۰/۸۵	۲/۴۹۵	۰/۰۰۰۰
استقلال کمیته حسابرسی	۰/۷۲۷	۰/۶۷	۰/۱۳۲	۱	۰/۵۰	۱/۴۶۸	۳/۴۱۲	۰/۰۰۰۰
اندازه کمیته حسابرسی	۳/۱۷۹	۳	۰/۵۶۶	۵	۳	۲/۸۷۱	۹/۳۰۷	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	۱۴/۲۹۳	۱۴/۰۴	۱/۴۱۱	۱۸/۵۳	۱۰/۶۷	۰/۸۰۱	۳/۷۷۵	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی شرکت	۰/۵۴۴	۰/۵۵۱	۰/۲۲۷	۱/۵۶۵	۰/۰۱۲	۰/۳۹۸	۴/۸۸۵	۰/۰۰۰۰
رشد فروش شرکت	۰/۲۷۰	۰/۲۲۲	۰/۳۸۱	۲/۷۳۳	-۰/۵۷	۱/۸۱۴	۱۱/۸۲۳	۰/۰۰۰۰

با توجه به نتایج جدول (۱) به طور میانگین نسبت Q توبین ۱/۶۰۳ و بازده دارایی ۰/۱۸۳ می‌باشد. میانگین درصد اعضای دارای تخصص مالی در کمیته حسابرسی ۰/۸۷۰ است. این نتیجه نشان می‌دهد که اکثریت کمیته‌های حسابرسی حداقل از دو متخصص مالی بهره می‌برند. تقریباً ۷۲ درصد از اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های نمونه مستقل بوده و اندازه کمیته حسابرسی به طور میانگین ۳/۱۷۵ می‌باشد. این نتیجه نیز حاکی از آن است که استقلال کمیته طبق منشور کمیته حسابرسی رعایت شده و اکثریت کمیته‌های حسابرسی نیز از ۳ نفر تشکیل شده‌اند. همچنین، اندازه شرکت نیز به طور میانگین ۱۴/۲۹۳ بوده و اهرم مالی و رشد فروش شرکت نیز به ترتیب و به طور میانگین ۰/۵۴۴ و ۰/۲۷۰ می‌باشند.

ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و عملکرد مبتنی بر Q توبین

در این پژوهش برای آنکه بتوان مشخص نمود که استفاده از روش داده‌های پانل در برآورد مدل موردنظر کارآمد خواهد بود یا خیر، از آزمون F لیمیر و در صورت استفاده از روش داده‌های پانل، به‌منظور این‌که مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) جهت برآورد مناسب‌تر است از آزمون هاسمن^{۴۹} استفاده می‌شود. به دلیل اینکه روش داده‌های تابلویی، ترکیبی از داده‌های سری زمانی و داده‌های مقطعی می‌باشد، مشکلات مربوط به وجود خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس در مدل پیش می‌آید (توکلی، ۱۳۷۸: ۴۱۴). بنابراین، برای

بررسی شرط عدم ناهمسانی واریانس از آزمون والد تعدیل شده^{۵۰} و برای بررسی شرط عدم خودهمبستگی سریالی از آزمون وولدریج^{۵۱} استفاده می‌گردد. نتایج حاصل از این آزمون‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون F لیمر، هاسمن، والد تعدیل شده و وولدریج

آزمون	تعداد	مقدار آماره	درجه آزادی	مقدار احتمال
F لیمر	۳۰۱	۳/۵۸	۱۶۳، ۱۳۱	۰/۰۰۰
هاسمن	۳۰۱	۲۷/۰۳	۶	۰/۰۰۰
والد تعدیل شده	۳۰۱	۲۲۸۳۸/۶۰	۱۳۲	۰/۰۰۰
وولدریج	۳۰۱	۵/۴۸۰	۱، ۵۰	۰/۰۲۳

با توجه به نتایج جدول (۲)، مشاهده می‌شود که احتمال آماره F کمتر از ۵ درصد می‌باشد. بنابراین مدل رگرسیونی با روش پانلی برازش می‌شود. نتیجه آزمون هاسمن نیز حاکی از آن است که فرضیه صفر این آزمون رد شده و روش برآورد پارامترهای مدل روش پانلی با اثرات ثابت است. با توجه به اینکه مقدار احتمال آزمون والد تعدیل شده کمتر از ۵ درصد می‌باشد، لذا فرضیه صفر این آزمون مبنی بر عدم وجود ناهمسانی واریانس بین اجزای اخلال مدل رد شده و در نتیجه جملات خطا دارای ناهمسانی واریانس هستند. همچنین نتیجه آزمون وولدریج نشان می‌دهد که جملات خطا دارای خودهمبستگی سریالی هستند. بنابراین برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی و جهت تخمین مناسب‌تر پارامترهای مدل از روش GLS^{۵۲} در برازش نهایی مدل استفاده می‌شود. در جدول (۳) نتایج حاصل از برازش نهایی مدل اول پژوهش آمده است.

جدول (۳): نتایج آزمون مدل اول پژوهش

$TobinsQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 ACEXP_{it} + \beta_2 ACIND_{it} + \beta_3 ACSIZE_{it} + \beta_4 LNASSET_{it} + \beta_5 LEVERAGE_{it} + \beta_6 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	ضریب	آماره Z	احتمال Z	
عرض از مبدا	۴/۱۳۴	۸/۲۷	۰/۰۰۰	
تخصیص مالی کمیته حسابرسی	۰/۲۹۶	۵/۱۰	۰/۰۰۰	
استقلال کمیته حسابرسی	-۰/۱۷۵	-۱/۴۰	۰/۱۶۲	
اندازه کمیته حسابرسی	۰/۰۴۰	۰/۶۹	۰/۴۸۸	
اندازه شرکت	-۰/۲۱۳	-۷/۵۸	۰/۰۰۰	
اهرم مالی شرکت	۰/۰۹۲	۰/۷۰	۰/۴۸۲	

۰/۲۳۷	۱/۱۸	۰/۰۲۴	رشد شرکت
		۸۲/۱۵	آماره خی دو wald
		۰/۰۰۰	احتمال آماره wald

سطح معناداری آماره والد در سطح خطای ۱ درصد، نشان می‌دهد که مدل پژوهش معنادار بوده و به‌طور مناسب برازش شده است. در ادامه و با بررسی متغیرهای مستقل پژوهش، یافته‌ها حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و معیار Q توپین است. بنابراین فرضیه اول پژوهش با توجه به این معیار و در سطح خطای ۱ درصد پذیرفته می‌شود. این نتیجه نقش تخصص مالی را به‌عنوان یک ویژگی مهم در اثربخشی کمیته حسابرسی تأیید می‌کند. در ارتباط با استقلال کمیته حسابرسی، نتایج رابطه معناداری را با معیار Q توپین نشان نمی‌دهد. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش با استفاده از معیار Q توپین رد می‌گردد. در ادامه و با بررسی فرضیه سوم پژوهش مشاهده می‌شود که بین اندازه کمیته حسابرسی و معیار Q توپین رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه سوم پژوهش مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. به بیان دیگر می‌توان گفت که استقلال و اندازه کمیته حسابرسی در شرکت‌های موجود، تأثیری بر عملکرد محاسبه‌شده با معیار Q توپین ندارند. در ارتباط با متغیرهای کنترلی، نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که بین اندازه شرکت و معیار Q توپین رابطه منفی و معنادار و بین اهرم و رشد شرکت با معیار Q توپین رابطه معناداری وجود ندارد.

ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و عملکرد مبتنی بر بازده دارایی‌ها

در این مدل نیز آزمون‌های آماری جهت انتخاب روش مناسب جهت برازش، مشابه با مدل (۱) صورت پذیرفته است. نتایج حاصل از این آزمون‌ها در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول (۴): نتایج حاصل از آزمون F لیمر، هاسمن، والد تعدیل‌شده و وولدریج

آزمون	تعداد	مقدار آماره	درجه آزادی	مقدار احتمال
F لیمر	۳۰۱	۴/۸۹	۱۶۳، ۱۳۱	۰/۰۰۰
هاسمن	۳۰۱	۲۶/۵۱	۶	۰/۰۰۰
والد تعدیل‌شده	۳۰۱	۱،۹e+۳۱	۱۳۲	۰/۰۰۰
وولدریج	۳۰۱	۱۹/۶۷۹	۱، ۵۰	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول (۴) و مشابه با مدل اول پژوهش روش برآورد پارامترهای مدل، روش پانلی با اثرات ثابت است. همچنین نتایج آزمون والد تعدیل‌شده و وولدریج وجود ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی را بین اجزای اخلاص مدل تأیید می‌کند. بنابراین برای رفع

مشکل ناهمسانی واریانس خودهمبستگی سریالی و جهت تخمین مناسب‌تر پارامترها از روش GLS در برازش نهایی مدل استفاده می‌شود. در جدول (۵) نتایج حاصل از برازش نهایی مدل دوم پژوهش آمده است.

جدول (۵): نتایج آزمون مدل دوم پژوهش

$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 ACEXP_{it} + \beta_2 ACIND_{it} + \beta_3 ACSIZE_{it} + \beta_4 LNASSET_{it} + \beta_5 LEVERAGE_{it} + \beta_6 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$			
متغیر	ضریب	آماره Z	احتمال Z
عرض از مبدا	۰/۶۹۹	۷/۳۲	۰/۰۰۰
تخصیص مالی کمیته حسابرسی	۰/۰۶۷	۱۰/۲۰	۰/۰۰۰
استقلال کمیته حسابرسی	۰/۱۰۸	۱/۹۵	۰/۰۵۱
اندازه کمیته حسابرسی	-۰/۰۱۸	-۱/۲۸	۰/۲۰۲
اندازه شرکت	-۰/۰۳۲	-۶/۹۱	۰/۰۰۰
اهرم مالی شرکت	-۰/۲۰۹	-۸/۵۸	۰/۰۰۰
رشد شرکت	۰/۰۷۷	۲۴/۹۳	۰/۰۰۰
آماره خرد دو wald	۱۶۵۰/۶۰		
احتمال آماره wald	۰/۰۰۰		

با توجه به نتایج جدول (۵)، مشاهده می‌شود که آماره والد در سطح خطای ۱ درصد معنادار است. بنابراین می‌توان گفت که مدل دوم پژوهش نیز به‌طور مناسب برازش شده است. در ادامه و با بررسی متغیرهای مستقل پژوهش، نتایج حاکی از آن است که بین تخصیص مالی اعضای کمیته حسابرسی و بازده دارایی‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه اول پژوهش با توجه به این معیار نیز پذیرفته می‌شود و اثربخشی تخصیص مالی کمیته حسابرسی را نشان می‌دهد. در ادامه یافته‌ها نشان می‌دهد که بین استقلال کمیته حسابرسی و بازده دارایی‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش با استفاده از معیار بازده دارایی‌ها پذیرفته می‌شود. این نتیجه بیانگر آن است که اگر اعضای کمیته حسابرسی از افراد بیرون سازمان یا به عبارتی از لایه بیرونی شرکت انتخاب شوند، اثربخشی آن افزایش می‌یابد. در ادامه و با بررسی فرضیه سوم پژوهش، یافته‌ها رابطه معناداری را بین اندازه کمیته حسابرسی و بازده دارایی‌ها نشان نمی‌دهد و فرضیه سوم پژوهش با استفاده از معیار بازده دارایی‌ها نیز رد می‌شود. در ارتباط با متغیرهای کنترلی، نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد که بین

اندازه و اهرم مالی شرکت با بازده دارایی‌ها رابطه منفی و معنادار و در مقابل بین رشد فروش شرکت و بازده دارایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کمیته حسابرسی بخشی مهمی از نظام حاکمیت شرکتی محسوب می‌شود و از وظایف اصلی آن نظارت بر فرایند گزارشگری مالی و بهبود عملکرد شرکت است. در این پژوهش به بررسی ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل تخصص مالی، استقلال و اندازه بود و از معیار Q توبین و بازده دارایی‌ها برای ارزیابی عملکرد شرکت استفاده گردید. برای آزمون فرضیه‌ها، داده‌های پژوهش با استفاده از سایت اطلاع‌رسانی بورس اوراق بهادار تهران و نرم افزار ره‌آوردنوین برای سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ جمع‌آوری شد. نتایج حاکی از ارتباط مثبت و معناداری بین تخصص مالی کمیته حسابرسی با عملکرد شرکت (معیار Q توبین و بازده دارایی‌ها) و استقلال کمیته حسابرسی با عملکرد شرکت (بازده دارایی‌ها) بود. ولی بین استقلال کمیته حسابرسی با عملکرد شرکت (Q توبین) و اندازه کمیته حسابرسی با عملکرد شرکت (معیار Q توبین و بازده دارایی‌ها) رابطه معناداری مشاهده نگردید.

نتایج این پژوهش مشابه با پژوهش‌های دیویدسون و همکاران (۲۰۰۴)، میر و سعاد (۲۰۰۸)، بایوعزیز (۲۰۱۱)، آمر و همکاران (۲۰۱۴)، استفان و همکاران (۲۰۱۴)، بین تخصص مالی کمیته حسابرسی با عملکرد شرکت رابطه مثبت و معناداری نشان داد. همچنین مخالف با نتایج دار و همکاران (۲۰۱۱) و موافق با یافته‌های نچل (۲۰۰۸)؛ دی (۲۰۰۸) و عبدالله و همکاران (۲۰۱۴) رابطه مثبت و معناداری بین استقلال کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت (بازده دارایی‌ها) مشاهده گردید. در ادامه یافته‌ها، مخالف با ردی و همکاران (۲۰۱۰)، متاری و همکاران (۲۰۱۴) و موافق با وی (۲۰۰۷) رابطه معناداری بین اندازه کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت نشان نداد.

با توجه به اینکه تشکیل و استفاده از خدمات کمیته حسابرسی در ایران در آغاز راه خود قرار دارد، می‌توان انتظار داشت که کمیته‌های حسابرسی در شرکت‌ها به ثبات خاصی نرسیده و اثربخشی آن‌ها در پاره‌ای از ابهام قرار داشته باشد. ولی با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان اذعان کرد که وجود افراد با تخصص مالی و مستقل در کمیته حسابرسی منجر به اثربخشی بیشتر آن و در نهایت به افزایش عملکرد شرکت ختم می‌شود. بنابراین به هیئت‌مدیره و سهامداران شرکت پیشنهاد می‌گردد تا در کمیته حسابرسی از افراد متخصص و مستقل استفاده کنند تا علاوه بر اثربخش بودن بیشتر آن، عملکرد شرکت را افزایش دهند. در ارتباط با پژوهش‌های آتی نیز پیشنهاد می‌گردد که پژوهش در زمینه اثربخشی کمیته حسابرسی و

ارتباط آن با متغیرهای خاص شرکتی از قبیل؛ ارزش شرکت و یا هزینه‌های نمایندگی انجام شود.

از محدودیت‌های پژوهش نیز می‌توان به عدم افشای تعداد جلسات کمیته حسابرسی به- عنوان یک متغیر مهم در اثربخشی کمیته حسابرسی اشاره کرد. همچنین با توجه به دستورالعمل کنترل‌های داخلی سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۳۹۱) شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس باید کمیته حسابرسی را تشکیل و اطلاعات آن را منتشر کنند. اما تا محدوده زمانی انجام پژوهش بسیاری از شرکت‌ها اقدام به تشکیل کمیته حسابرسی یا افشای اطلاعات آن در سایت کدال نکرده‌اند و به همین جهت محققین در انتخاب نمونه آماری پژوهش دچار محدودیت شدند.

یادداشت‌ها

1. Bansal & Sharma
2. Irwin
3. Zahra & Pearce
4. Siagian, Sylvia & Siregar
5. Van Den Berghe
6. Lindelof peter
7. Bhardwaj & Rao
8. Amer, Ramli & Zakaria
9. McMullen
10. Conheady, McIlkenny & Kwaku
11. Blue Ribbon Committee
12. Sarbanes-Oxley
13. Abdullah, Qaiser & Ashikur
14. Beasley & Salterio
15. Davidson, Xie & Xu
16. Abbott, Lawrence & Parker
17. McDaniel, Martin & Maines
18. Jaime & Michael
19. Qin
20. Mustafa & Youssef
21. Abernathy, Beyer & Masli
22. Mir & Souad
23. Bouaziz
24. Stephen, Iyoha & Obigbemi
25. Jemison & Oakley
26. Cadbury Committee
27. Weisbach
28. Weir & Laing
29. Jeffrey, Lisa, Genesh & Arnold
30. Jackson, Robinson & Shelton
31. Ameer, Ramli & Zakaria
32. Arslan, Zaman, Malik & Mehmood
33. Khanchel
34. Dey
35. Dar, Naseem, Rehman & Niazi
36. Menon & Williams
37. Agency theory
38. Collier & Gregory
39. Hillman & Dalziel
40. Soltana, Harjinder & Vander
41. Vafeas
42. Choi, Jeon & Park
43. Raghunandan, Read & Rama
44. Reddy, Locke & Scrimgeour
45. Wei
46. Matari, Swidl & Fadzil
47. Aldamen, Keith, Simone & Ray
48. Greene
49. Hausman
50. Modified Wald
51. Wooldridge
52. Generalized Least Squares

کتابنامه

۱. ارباب سلیمانی، عباس و نفری، محمود، (۱۳۷۸)، *اصول حسابرسی*، تهران، سازمان حسابرسی.
۲. اعتمادی، حسین و شفاخیبری، نصیبه، (۱۳۹۰)، تأثیر جریان های نقد آزاد بر مدیریت سود و نقش کمیته حسابرسی در آن، *حسابداری مالی*، ۳ (۱۰): ۱۸-۴۲.
۳. باباجانی، جعفر، بابایی، مسعود، (۱۳۹۰)، تأثیر استقرار واحد حسابرسی داخلی و تشکیل کمیته حسابرسی در ارتقای مسئولیت پاسخگویی مالی دانشگاه ها مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی، *دانش حسابداری*، ۳ (۴): ۷-۲۷.
۴. توکلی، اکبر، (۱۳۷۸)، *اقتصادسنجی کاربردی*، اصفهان، انتشارات مانی.
۵. حساس یگانه، یحیی، رئیسی، زهره، حسینی، سید مجتبی، (۱۳۸۸)، رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *فصلنامه علوم مدیریت ایران*، ۴ (۱۳): ۷۵-۱۰۰.
۶. رحیمیان، نظام الدین، توکل نیا، اسماعیل، (۱۳۹۰)، تأثیر کمیته حسابرسی بر فعالیت های حسابرسی داخلی، *فصلنامه حسابداری رسمی*، ۲ (۱۵): ۶۸-۷۵.
۷. سازمان بورس اوراق بهادار، (۱۳۹۱)، *منشور کمیته حسابرسی*، تهران.
۸. سازمان بورس و اوراق بهادار، (۱۳۹۱)، *دستورالعمل کنترل های داخلی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران*، تهران.
۹. سلیمانی، غلامرضا، مقدسی، مینا، (۱۳۹۳)، نقش کنترل های داخلی، حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی در بهبود نظام راهبری (حاکمیت) شرکتی، *پژوهش حسابداری*، ۴ (۱۲): ۶۳-۷۷.
۱۰. فخاری، حسین، محمدی، جواد، نتاج کردی، محمد حسن، (۱۳۹۴)، بررسی اثر ویژگی های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود، *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۲ (۴۶): ۱۲۳-۱۴۶.
۱۱. محمدپور، مسعود، شهرابی، شاهرخ، (۱۳۹۳)، سازوکار کمیته حسابرسی اثربخش، *مجله حسابداری*، ۳۰ (۲۶۵): ۵۰-۵۷.
۱۲. مرادی، مهدی، رستمی، امین، (۱۳۹۱)، ارتباط بین ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت پس از عرضه اولیه: شواهدی از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *فصلنامه اقتصاد پولی مالی*، ۱۹ (۴): ۱-۲۳.
۱۳. نمازی، محمد، کرمانی، احسان، (۱۳۸۷)، تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۱۵ (۱۲): ۸۳-۱۰۰.

۱۴. وکیلی‌فر حمیدرضا، باوندپور لیدا، (۱۳۸۹)، تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، *مجله مطالعات مالی*، ۳ (۸): ۱۱۹-۱۴۰.

15. Abbott, J. Lawrence; Parker, Susan; Peters, Gray F (2002). Audit committee characteristics and financial misstatement: A study of the efficacy of certain blue ribbon committee recommendations. Working Paper, *University of Memphis, Santa Clara University and University of Georgia*.

16. Abbott, L. J; Park, Y. (2000). The Effects of Audit Committee Activity and Independence on Corporate Fraud. *Managerial Finance* 26 (11): 55-68.

17. Abdullah A, M, Qaiser, R.Y, Ashikur, R., Ananda, W., Thurai, M, N. (2014). Relationship between Audit Committee characteristics, external auditors and economic value added (EVA) of Public listed firms in Malaysia. *Corporate Ownership & Control*, V (12), I (1).

18. Abernathy, J. L, Beyer, B, Masli, A, Stefaniak, C. (2014). The association between characteristics of audit committee accounting experts, audit committee chairs, and financial reporting timeliness. *Advances in Accounting* 30(2): 283-297.

19. Aldamen, H, Keith D, Simone K, Ray M, Stephan N. (2011). Audit committee characteristics and firm performance during the global financial crisis. *Accounting and Finance*, <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1467-629X.2011.00447.x/abstract>.

20. Ameer, R, Ramli, F, & Zakaria. (2010). A new perspective on board composition and firm performance in an emerging market. *Corporate Governance: The international journal of business in society*, 10(5): 647-661.

21. Amer, M, Aiman A. R., & Shehata E, SH. (2014). Audit Committee Characteristics and Firm Performance: Evidence from Egyptian Listed Companies. *Proceedings of 6th Annual American Business Research Conference*, ISBN: 978-1-922069-52-8.

22. Arslan, M, R Zaman, RK Malik, A Mehmood. (2014). Impact of CEO Duality and Audit Committee on Firm Performance: A Study of Oil & Gas Listed Firms of Pakistan. *Research Journal of Finance and Accounting*, ISSN: 2222-1697.

23. Bansal, N, A, K. Sharma. (2016). Audit committee, corporate governance and firm performance. *International Journal of Economics and Finance*; Vol. 8, No. 3.
24. Beasley, M. and Salterio, S. (2001). The relationship between board characteristics and voluntary improvements in audit committee composition and experience, *Contemporary Accounting Research*, vol. 18, no. 4: 539-570.
25. Bhardwaj, M. N, & Rao. (2015). Role of audit committee in corporate governance. *International Journal of Management and Social Science Research Review*, I (10): 61-67.
26. Blue Ribbon Committee (1999), 'Report and recommendations of the Blue Ribbon Committee on Improving the Effectiveness of Corporate Audit Committees', *The Business Lawyer*, vol. 54, no. 2: 1067-1095.
27. Blue Ribbon Panel was set up in late 1998 to give recommendations on the role of audit committee in order to strengthen the monitoring role over the reporting process in the USA.
28. Bouaziz, Z. (2012). The Impact of the Presence of Audit Committees on the Financial Performance of Tunisian Companies, *International Journal of Management & Business Studies*, 2(4): 57-64.
29. Cadbury, A. (1992). Report on the Committee on the Financial Aspects of Corporate Governance, Gee, London.
30. Choi, J, Jeon, K, Park, J. (2004). The role of audit committees in decreasing earnings management: Korean evidence. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation* 1 (1): 37-60.
31. Cohen, J. R., Gaynor, L. M., Krishnamoorthy, G, & Wright, A. M. (2011). The impact on auditor judgments of CEO influence on audit committee independence. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 30(4): 129-147.
32. Collier, P., and Gregory, A. (1999). Audit committee activity and agency costs. *Journal of Accounting and Public Policy*, 18 (4), 311-32.
33. Conheady, B, McIlkenny, P, O, Kwaku K & Pignatell, I. (2015). Board effectiveness and firm performance of Canadian listed firms. *The British Accounting Review*: 1-14.
34. Dar, L. A., Naseem, M. A., Rehman, R. U, & Niazi, G. S. (2011). Corporate Governance and Firm Performance a Case Study of Pakistan Oil and Gas Companies Listed in Karachi Stock Exchange. *Global Journal of Management and Business Research*, 11(8): 1-10.

35. Davidson, R., Xie, B., & Xu, W. (2004). Market reaction to voluntary announcements of audit committee appointments: The effect of financial expertise. *Journal of Accounting and Public Policy*, 23(1): 279-293.
36. Dey, A. (2008). Corporate governance and agency conflicts. *Journal of Accounting Research*, 46(5): 1143-1181.
37. DeZoort, F. T. & S. Salterio. (2001). The effects of corporate governance experience and audit knowledge on audit committee members' judgments. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 20 (September): 31-47.
38. Greene, W. (2011). Econometric Analysis. Seventh ED. *United states of America*: Prentice-hall publication.
39. Hillman, A. J., and Dalziel, T. (2003). Boards of directors and firm performance: Integrating agency and resource dependence perspectives. *Academy of Management Review*, 28 (3): 383-96.
40. Irwin, T., (2009), "Characteristics of effective audit committees in federal, state and local governments ", *The Journal of Government Financial Management*: 44-48.
41. Jackson, O. L. a; Robinson, D; Shelton, S. W. (2009). The Association Between Audit Committee Characteristics, the Contracting process and Fraudulent Financial Reporting. *American Journal of Business* 24(1): 57-66.
- Jaime S., & Michael, S. W. (2013). Bringing Darkness to Light: The Influence of Auditor Quality and Audit Committee Expertise on the Timeliness of Financial Statement Restatement Disclosures. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32(1): 221-244.
42. Jeffrey, R. C, Lisa, M. G, Genesh K, & Arnold, M. W. (2011). The impact on auditor judgments of CEO influence on audit committee independence. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30(4): 129-147.
43. Jemison, D. B., & Oakley, R. A. (1983). Corporate governance in mutual insurance companies. *Jornal Business Research*, 11(4): 501-521.
44. Khanchel, I. (2007). Corporate governance: Measurement and determinant analysis. *Managerial Auditing Journal*, 22(8): 740-760.
45. Klein, A. (2002). Audit committee, board of director characteristics, and earnings management. *Journal of Accounting and Economics*, 33(2): 375-400.
46. Matari, E. M, Swidl, E. K, Fadzil, F. H, B. (2014). Audit Committee Characteristics and Executive Committee Characteristics and Firm Performance in Oman: Empirical Study, *Asian Social Science*; Vol. 10, No. 12: 98-113.

47. McDaniel, L. Martin, R.D. & Maines, L.A. (2002). Evaluating financial reporting quality: the effects of financial expertise vs. Financial Literacy. *The Accounting Review*, 77: 139-67.
48. Menon, K., & Williams, J. D. (1994). The use of audit committees for monitoring. *Journal of Accounting and Public Policy*: 13(2).
49. Mir A. E. & Souad S. (2008). Corporate governance and the relationship between EVA and created shareholder value. *Corporate Governance*, 8(1): 46-58.
50. Mustafa, S. T; Youssef, N. B. (2010). Audit committee financial expertise and misappropriation of assets. *Managerial Auditing Journal* 25(3): 208–225.
51. Qin, B. (2007). The influence of audit committee financial expertise on earnings quality: US evidence. *The Icfai Journal of Audit Practice*, 4(3): 7-28.
52. Raghunandan, K., W. Read & D. Rama (2001). Audit committee composition, gray directors, and interaction with internal auditing. *Accounting Horizons*, 15(2): 105-118.
53. Reddy, K., Locke, S, & Scrimgeour, F. (2010). The efficacy of principle-based corporate governance practices and firm financial performance: An empirical investigation. *International Journal of Managerial Finance*, 6(3): 190-219.
54. Siagian, F, Sylvia V, Siregar, Y, R. (2011). corporate governance, reporting quality, and firm value: evidence from Indonesia. *Journal of Accounting in Emerging Economies* 3 (1): 4-20.
55. Soltana, N., Harjinder, S., Vander, Z. (2014). Audit committee characteristics and audit report lag. *International Journal of Auditing*, 19, 57-130.
56. Stephen, O A, Iyoha, F, O, & Obigbemi, I, F, (2014). Effectiveness of Audit Committee and Firm Financial Performance in Nigeria: An Empirical Analysis. *Journal of Accounting and Auditing: Research & Practice* <http://www.ibimapublishing.com/journals/JAARP/jaarp.html>, DOI: [10.5171/2014.301176](https://doi.org/10.5171/2014.301176).
57. Vafeas, N. (1999). Board meeting frequency and firm performance. *Journal of Financial Economics*, 53: 113-142.

58. Wei, G. (2007). Ownership structure, corporate governance and company performance in China. *Asia Pacific Business Review*, 13(4): 519-545.
59. Weir, C. M. and Laing, D. (2001). Governance structures, director independence and corporate performance in the UK. *European Business Review*, 13(2), 86-94.
60. Weisbach, M. S. (1988). Outside directors and CEO turnover. *Journal of Financial Economics*, 20: 431- 460.
61. Zahra, S.A., & Pearce, J.A. (1989). Boards of directors and corporate Financial Performance: A Review and Interactive Model, *Journal of Management*, 15, (2) 291-334.

Archive of SID